Archive of SID.ir

الدراسات الفقهية المقارنة
سنة الثانى، رقم ثالث، الربيع والصيف ۱۴۰۱ ش
(DOI) 10.22034/FIQH.2022.355465.1097

تحليل أثر التحكيم والوساطة على هيكل العدالة التصالحية والجنائية في الفقه الإسلامي والقانون[1]

منصور صفرى مقدم*

أمير الملا محمد على، محمود قيوم زاده*****

[تاريخ الاستلام ۱۳۹۹/۰۹/۰۳ تاريخ القبول ۱۴۰۱/۰۵/۱۹ هـ ش]

ملخّص القول

حاولنا في هذا المقال أن نتطرق بإيجاز إلى أحد واجبات السلطة القضائية، وهو إتخاذ الخطوة المناسبة لإعادة حقوق عامة الناس وانتشار العدل والوقاية من إرتكاب الجرائم وإصلاح ذات البين المجرمين. والسؤال هو: هل للوساطة تأثير على العدالة التصالحية والجنائية من إرتكاب الجريمة؟ تشير الدراسات إلى أن الغرض الرئيسي من الوساطة وتأثيرها على العدالة التصالحية والجنائية ليس الوقاية من إرتكاب الجريمة بشكل مباشر، ولكن بشكل غير مباشر لها تأثير هام للوقاية الثانوية من العودة إلى الإجرام. نتائج البحث هي إنشاء مجال المصالحة والتسوية من خلال اللجوء إلى التحكيم والوساطة. لهذا السبب، تقدم نظام العدالة الجنائية تدريجياً نحو الوساطة من أجل تحقيق نظام العدالة التصالحية بحيث يمكن للمجنيّ والجاني التعبير عن مطالبهما مع التفاوض من خلال وساطة الوسيط بصرف النظر عن الإجراءات المعتادة في عقد الجلسات المحاكمات الجنائية، وبالتالي يتم تعويض الأضرار المادية والمعنوية للمجنيّ وتحديد التزامات الجاني تجاه المجنيّ والمجتمع، وتوفير دواعي المنع من الإطناب في المحاكمة. تم البحث الحالي على أساس المنهج التوصيفي والتحليلي لغرض استعمال التحكيم والوساطة في العدالة التصالحية والعدالة الجنائية وتبيين أثرهما.

كلمات مفتاحية: القانوني، التحكيم، الفقهي، العدالة التصالحية، العدالة الجنائية، الوساطة.

---

۱. هذا المقال مقتبس من: منصور صفرى مقدم، «مباني الفقهية والحقوقية للتحكيم والوساطة في القضايا الجنائية وتطبيق التحكيم والوساطة في الإجراءات المدنية»، أستاذ المشرف: امير ملا محمد على، رسالة الدكتوراة، جامعة آزاد الاسلامية، فرع خمين، اراک، ۲۰۲۱.

* الطالب الدكتوراة في قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، فرع خمين، جامعة آزاد الإسلامية، خمين، إيران.

** الأستاذ المساعد في قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، فرع خمين، جامعة آزاد الإسلامية، خمين، إيران (الكاتب المسؤول).

*** الأستاذ في قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، فرع خمين، جامعة آزاد الإسلامية، خمين، إيران.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی
سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص۱۵۸ـ۱۷۵ «مقاله پژوهشی»

واکاوی تأثیر داوری و میانجی‌گری بر ساختار عدالت ترمیمی و کیفری در فقه اسلامی و حقوق[۱]

منصور صفری‌مقدم*
امیر ملامحمدعلی،** محمود قیوم‌زاده**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹]

چکیده

در این مقاله کوشیده‌ایم به‌اجمال به یکی از وظایف قوه قضاییه، یعنی اقدام مناسب برای احیای حقوق عامه و گسترش عدل و عدالت و پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح ذات‌البین مجرمان بپردازیم. پرسش این است که: آیا میانجی‌گری تأثیری بر عدالت ترمیمی و کیفری در پیش‌گیری از وقوع جرم دارد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که هدف اصلی میانجی‌گری و تأثیر آن بر عدالت ترمیمی و کیفری پیش‌گیری از وقوع جرم به طور مستقیم نیست، بلکه غیرمستقیم تأثیری مهم در پیش‌گیری ثانویه از تکرار جرم دارد. نتایج پژوهش، ایجاد زمینه صلح و سازش از طریق توسل به داوری و میانجی‌گری است. به همین سبب نظام عدالت کیفری در جهت تحقق نظام عدالت ترمیمی به‌تدریج به سمت میانجی‌گری پیش رفته تا بزه‌دیده و بزهکار با وساطت میانجی‌گر، فارغ از تشریفات معمول در دادرسی‌های کیفری بتوانند ضمن مذاکره، خواسته‌هایشان را مطرح کنند و بدین وسیله، خسارات مادی و معنوی بزه‌دیده ترمیم شود و تعهدات بزهکار در قبال بزه‌دیده و جامعه مشخص، و موجبات جلوگیری از اطاله دادرسی فراهم شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی‌تحلیلی و با هدف به‌کارگیری داوری و میانجی‌گری در عدالت ترمیمی و عدالت کیفری و نشان‌دادن تأثیر آنها انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: حقوقی، داوری، فقهی، عدالت ترمیمی، عدالت کیفری، میانجی‌گری.

---

۱. برگرفته از: منصور صفری مقدم ، مبانی فقهی حقوقی داوری و میانجیگری در امور کیفری و تطبیق داوری و میانجیگری در آیین دادرسی مدنی، استاد راهنما: امیر ملا محمدعلی، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، اراک، ۱۴۰۰.

* دانشجوی دکتری الاهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران safarimoghadam77@gmail.com
** استادیار گروه الاهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول) dr.molla@gmail.com
*** استاد گروه الاهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران maarefteacher@yahoo.com

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

انسان موجودی مدنی‌الطبع است و به حکم طبیعت باطنی‌اش یا به اقتضای ضرورت زندگی به جمع می‌پیوندد و خواهان زندگی جمعی است. تردیدی نیست که در زندگی جمعی، فقط در پرتو اجرای برترین قانون به دست مجریان عدالت‌پیشه و دلسوز است که هر فرد به حقوق خویش دست می‌یابد و جامعه بشری از نعمت سعادت و زندگی مسالمت‌آمیز برخوردار می‌شود. زندگی اجتماعی انسان نیازمند ارتباطات و مناسبات اجتماعی با دیگران است؛ در این میان چون زندگی اجتماعی محل بروز اختلافات، تعارض منافع، تضاد افکار و اظهارنظرها درباره اشخاص و حوادث و رویدادهای گوناگون است، نیاز به ایجاد نهادهای حقوقی و قضایی برای اجرای عدالت و بهره‌مندی جامعه بشری از نعمت سعادت و زندگی مسالمت‌آمیز و کاهش جرم و بزهکاری ضروری است. با خروج جوامع از اشکال بدوی و توسعه شهرنشینی نیاز به قانون و اجرای عدالت اهمیت بیشتری پیدا کرد و حاکمان ناچار به پذیرش نهادهای حقوقی و قضایی شدند.

تعالیم الاهی ادیان و نظریه‌های اندیشمندان مهم‌ترین منابع حقوقی برای اجرای عدالت کیفری و ترمیمی است. امروزه با توجه به گسترش جوامع انسانی و پیچیدگی روابط اجتماعی، بشر بیشتر در معرض تضییع حقوق و بی‌عدالتی است. نهادهای مدنی و سازمان‌های حقوق بشری می‌کوشند راهکارهایی برای تأمین عدالت مطرح کنند. یکی از نهادهای تأثیرگذار در اجرای عدالت ترمیمی و کیفری نهاد داوری و میانجی‌گری است. امروزه داوری و میانجی‌گری نقش مهمی در حل و فصل دعاوی در حقوق داخلی و بین‌المللی دارد. گفتمان جدید عدالت ترمیمی در حقوق کیفری اسلامی، درباره چگونگی پاسخ‌دهی به پیامدهای ناشی از وقوع جرم و جبران ضرر و زیان آسیب‌دیدگان جرم جایگاه ویژه‌ای دارد. داوری و میانجی‌گری می‌تواند در اجرای عدالت ترمیمی سهم بسزایی داشته باشد. مسئله اصلی محل بحث این است که: با توجه به فقه اسلامی و حقوق موضوعه، نهاد داوری و میانجی‌گری چه تأثیری بر تحقق عدالت کیفری و عدالت ترمیمی دارد؟

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

انگیزه اصلی این پژوهش، گشودن افقی جدید راجع به ساختار کاربردی نظریه عدالت ترمیمی در فقه جزایی اسلام و حقوق موضوعه است. می‌توان میانجی‌گری را زیربنا و جان‌مایه عدالت ترمیمی دانست. در روش میانجی‌گری، برای بزه‌دیده و بزهکار فضایی ایجاد می‌شود که بتوانند رودررو، بدون هیچ‌گونه فشار و تهدید و اعمال نظر دستگاه کیفری با هم گفت‌وگو کنند؛ بزه‌دیده از خسارت واردشده ناشی از بزه‌دیدگی و نیازها و خواسته‌هایش سخن می‌گوید و بزهکار از چگونگی وقوع جرم و دلایل و انگیزه‌های خود از ارتکاب آن. همچنین، درباره روند سازش و حل و فصل اختلافات سخن می‌گویند. در این بین شخص ثالثی که بی‌طرف و فاقد منافع در ماجرا است (میانجی‌گر)، جریان گفت‌وگو را هدایت و مدیریت می‌کند. ضرورت و هدف اصلی مطرح‌کردن مسائل فقهی، حقوقی، داوری و میانجی‌گری و رابطه آنها با عدالت ترمیمی و عدالت کیفری در این مقاله به دلیل تنظیم روابط عادلانه و صلح‌آمیز بین انسان‌ها است. بررسی تأثیر میانجی‌گری بر عدالت ترمیمی و کیفری موضوع جدیدی است که پیش از این، مقاله یا متن مدونی مستقیماً به آن نپرداخته است. اما بعضی از پژوهش‌ها به بُعدی از ابعاد این موضوع اشاره کرده‌اند. لذا در این پژوهش ابتدا به مفهوم‌شناسی واژگان مرتبط می‌پردازیم و سپس ضمن تبیین عدالت کیفری و ترمیمی به تأثیر داوری و میانجی‌گری در تحقق عدالت خواهیم پرداخت. این تحقیق بر اساس مطالعات صورت‌گرفته در منابع معتبر فقهی و حقوقی به شیوه توصیفی‌تحلیلی انجام می‌شود.

۱. تبیین مفاهیم

۱. ۱. داوری

«داور» از ریشه «دادور» و به معنای قانون است. در واقع، «دادور» یعنی کسی که اهل داد بوده است. همچنین، به معنای انصاف‌دهنده، قاضی، حکم مشترک و کسی که میان مردم حکم و فصل دعوا کند نیز آمده است. «حکمیت» هم معادل «داوری» معنا شده است. یعنی داوری و میانجی‌گری بین دو یا چند تن، و ختم رسیدگی به قضیه در خارج از محکمه تحت شرایط معین (معین، ۱۳۵۳: ۲۳۵).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱. ۲. میانجی‌گری

در لغت به معنای وساطت است و میانجی‌گری‌کردن، میانجی‌شدن، وساطت‌کردن، و میانجی‌گری‌کردن، وساطت‌کردن، واسطه واقع‌شدن و رجوع بـه میـانجی (دهخـدا، ۱۳۷۳: ۷۵). در اصطلاح، «میانجی‌گری» «عبارت است از مداخله یک طرف موجه و بی‌طـرف و فاقد تصمیم‌گیری آمرانه در یک اختلاف یا مذاکره به منظور کمک به طرف‌های اختلاف در رسیدن به توافق بر سر مسائل مورد اختلاف به صـورت اختیـاری» (گرشاسـبی، ۱۳۸۸: ۱۲).

۱. ۳. عدالت ترمیمی

در تبیین و تعریف «عدالت ترمیمی» می‌توان گفت: «عدالت ترمیمـی تعریـف نـوینی اسـت از مفاهیم سنتی و کلاسیک حقوق جزا و کارکرد نهادهای حقوقی دیگر که در عمل نیز اثـرات قابـل ملاحظه‌ای بر سرنوشت اصحاب دعوی کیفری، جامعه مدنی و محلـی و نهادهـای نظـام عـدالت کیفری بر جا می‌گذارد» (عباسی، ۱۳۸۲: ۱).

۱. ۴. عدالت کیفری

«عدالت کیفری» در اصطلاح، در تعریفـی جـامع عبـارت اسـت از: «مجموعـه‌ای از رویه‌ها و نهادهای دولتی که به منظـور تعیـین حـدود رفتارهـای شـهروندان و تقویـت کنترل‌های اجتماعی، بازداری از ارتکاب و تکرار جرم، اعمال ضمانت اجرا بـه ناقضـان قوانین، تلاش برای بازپروری مجرمان در جامعه و حمایت از شهروندان اجرا می‌شـود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۱).

۱. ۵. مفهوم فقهی و حقوقی «داوری»

تعریف و مفهوم فقهی «داوری» و «قاضیِ تحکیم» این است که اگـر دو نفـر بـا هـم توافق کنند که کسی از مردم، میان آن دو حکم کند و آن کس چنـین کنـد، جـایز اسـت بدون نظر خلاف، و حکمش هم الزام‌آور است (طوسی، ۱۳۹۷: ۲۴۱/۶). از فقهـای معاصـر نیز در تعریف جامعی معتقدند «قاضیِ تحکیم» کسی است که طرفین نزاع با توافق هـم، وی را برای داوری میان خود انتخاب کرده‌اند، بدون اینکه این شخص از طرف امام، بـه طور خاص یا عام، به قضاوت منصوب شده باشد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳: ۱۰).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱. ۶. مفهوم فقهی و حقوقی «میانجی‌گری»

مفهوم فقهی «میانجی‌گری» در نظام اسلامی، با ملاحظه روابط منسجم افراد در جامعه است، که از آن به «اخوت ایمانی» یا «برادری اسلامی» یا «اصلاح ذات البین» یاد می‌شود و نیز با توجه به تأکید اسلام بر مباحث تصالح، گذشت و رضایت، زمینه کافی برای حل اختلافات از طریق گفت‌وگو، مصالحه و سازش وجود دارد، بدون اینکه لازم باشد به مراجع قضایی مراجعه کنند (اعظمی، ۱۳۹۷: ۵). مفهوم حقوقی «میانجی‌گری» روشی است که طرفین اختلاف با پادرمیانی و مساعدت شخص ثالثی مشکلات و اختلافات موجود را حل و فصل می‌کنند. مهم‌ترین مشخصه این روش دخالت، وساطت و مساعدت شخص یا اشخاص ثالث در انجام‌دادن مذاکرات بین طرفین اختلاف است (شیروی، ۱۳۹۱: ۶۷).

۱. ۷. مفهوم حقوقی «عدالت ترمیمی»

عدالت ترمیمی شیوه و راه و روشی است برای اجرای صحیح عدالت. در این روش از پاسخ‌های مربوط به جرم، سازمان‌دهی ملاقات بین قربانی و بزهکار، گاه با نمایندگان جامعهٔ گسترده‌تر است. هدف اصلی این است که آنها تجربه خود را از آنچه اتفاق افتاده است به اشتراک بگذارند، درباره اینکه چه کسی از این جنایت آسیب دیده و چگونه آسیب دیده است، بحث کنند و درباره آنچه مجرم می‌تواند برای ترمیم آسیب ناشی از جرم انجام دهد توافق کنند. این توافق ممکن است شامل پرداخت پول داده‌شده از مجرم به قربانی، عذرخواهی و جبران خسارات و سایر اقدامات برای جبران خسارت به آسیب‌دیدگان و جلوگیری از آسیب‌رساندن مجرم در آینده باشد.

۱. ۸. مفهوم حقوقی «عدالت کیفری»

«عدالت کیفری» مهم‌ترین مفهوم نظری در فلسفه حقوق است، که مبتنی بر جزا و سرکوب (عدالت قصاصی) و بر اصلاح و تربیت (عدالت توان‌بخشی) است، به گونه‌ای که اهمیتش با قانون برابری می‌کند. متعلق عینی مفهوم «عدالت»، فعالیت‌های هدفمند و آگاهانه است. این فعالیت‌ها می‌تواند ناشی از رفتار انسانی یا برون‌داد نظام حقوقی و اجتماعی باشد. لذا گاه انسان‌ها به بی‌عدالتی متهم می‌شوند و گاه نظام‌ها. نظام

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حقوقی‌ای که قانون را با تأخیر اجرا می‌کند، یا در رسیدگی بـه دادخـواهی افـراد تعلـل می‌ورزد، یا کیفرها را به طور صوری و ناکارآمد جاری می‌کنـد، نظـام حقـوقی کیفـری ناعادلانه‌ای تلقی می‌شود که بی‌اعتبار است. لذا کوتاهی در توسعه نظام عـدالت کیفـری مؤثر، خود نوعی بی‌عدالتی کیفری است (دل وکیو، ۱۳۸۰: ۲۱۸).

۲. داوری و میانجی‌گری به استناد آیات و روایات

قرآن کریم می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللّهَ وَ أَصلِحُوا ذاتَ بَینِکُم؛ پس از خـدا پـروا داریـد و بـا یکدیگر سازش کنید» (نساء: ۱۲۸)؛ «انما المُؤمنونَ اخوة فَاصلَحوا بَین اَخوَیکم؛ همانا مؤمنان برادرند، پس میان برادران خود سازش برقرار کنید» (الحجرات: ۱۰). در منابع روایـی خاصـه و عامه روایات متعددی درباره داوری و میانجی‌گری نقل شده است، از جمله:

۱. امام صادق (ع): «خَیرُ النّاسِ قُضاةُ الْحَقِّ؛ بهترین مردم کسانی هستند که بـه حـقّ، قضاوت کنند» (مجلسی، بی‌تا: ۲۶۶/۱۰۴).

۲. امام علی (ع): «أفضَلُ الخَلقِ أقضاهُم بِالحَقِّ، و أحَبُّهُم إلَی اللّهِ سُبحانَهُ أقوَلُهُم لِلصِّدقِ؛ برترینِ خلق، کسی است که بیشتر از همه بر اساس حق، داوری کند و محبوب‌ترینشـان نـزد خدای سبحان، راستگوترینشان است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳: ۴۹۴۸/۱۰).

۳. رسول اکرم (ص) فرمودند: «المُقسطُونَ عندَ اللّه یومَ القیامَة علی مَنابرَ من نور عن یمینِ الرَّحمنِ، و کلتا یدَیه یمینٌ، الذینَ یعدلُونَ فی حُکمهم و أهلیهم و ما وُلُّوا؛ دادگرانِ از نظر خداوند، در روز قیامـت بـر فـراز منبرهـای نـورانی در سـمت راسـت خداونـد رحمان‌اند، و هر دو دست خدا راست است، همان دادگرانی کـه در حکومـت (داوری) خود و در میان خانواده خویش و نسبت به هر کسی که سرپرست آنها هستند به عدالت رفتار می‌کنند» (نسائی و شمس‌الدین، بی‌تا: ۱۵۰/۱۰).

۳. دلایل روی‌گردانی از عدالت کیفری

قبل از بیان «عدالت ترمیمی» لازم است «عدالت کیفری» که مفهـومی در مقابـل «عـدالت ترمیمی» است بیان شود. عدالت کیفری سنتی یا عدالت کیفـری کلاسـیک عبـارت اسـت از عدالت سزادهنده که ناظر به جرم است، و عـدالت بازپرورانـه کـه نـاظر بـه بزهکـار اسـت.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عدالت سزادهنده که ناظر به جرم است و می‌توان از آن به عنوان عدالتی جرم‌مدار یاد کرد، به دنبال احراز مجرمیت بزهکار و سزادهی بر حسب نوع جرم ارتکابی او است. در عدالت کیفری سرکوبگر فرض بر آن است که عدالت هنگامی تأمین می‌شود که بزهکار تاوان عمل مجرمانه‌اش را با تحمل مجازات بدهد. بنابراین، آنچه معیار تعیین مجازات برای بزهکار است، شدت و وخامت جرم ارتکابی است، بدون آنکه به شخصیت بزهکار توجه شود. در عدالت بازپرورانه که ناظر به بزهکار است و به عنوان مدلی دیگر از عدالت کیفری سنتی مطرح می‌شود، به شخصیت بزهکار توجه می‌شود. آنچه معیار تعیین مجازات بزهکار را مشخص می‌کند، نوع شخصیت بزهکار است (حسینی، ۱۳۸۳: ۶۳).

۱. از جمله انتقاداتی که به کارآیی عدالت کیفری وارد می‌شود، تراکم کار دادگاه‌ها، تورم جمعیت کیفری، نارضایتی عمومی از اطاله دادرسی، نارضایتی مراجعان از عملکرد دستگاه قضایی و .... است.

۲. همچنین، از جمله ایرادهای اقتصادی عدالت کیفری کلاسیک می‌توان به اداره زندان‌ها و همچنین پُرهزینه‌بودن خدمات کارشناسی، وکالت و ... اشاره کرد.

۳. از لحاظ سیاسی هم این ایراد به عدالت کیفری کلاسیک وارد است که این حکومت و حاکمیت هر کشور است که می‌تواند با استفاده از قدرت خود به مجازات افراد بزهکار و جرم‌انگاری اعمال دست زند و در این مسائل، جامعه مدنی و مشارکت مردمی نقشی ندارند. لذا این امر می‌تواند به نوعی باعث مستبدشدن حکومت‌ها شود. کما اینکه امروزه پذیرش حاکمیت ملی، نقش جامعه مدنی را در مقام پیش‌گیری از اَشکال مختلف بزهکاری بااهمیت کرده است.

۴. از لحاظ علمی هم یکی از ایرادهایی که در این خصوص به عدالت کیفری سنتی وارد می‌شود این است که بزهکار و فرد مجرم را حاصل و نتیجه عملکرد و ساختار و رفتار کارگزاران عدالت کیفری می‌دانند (همو، ۱۳۹۹: ۶۳۲).

۴. دلایل توجه به عدالت ترمیمی

به نظر می‌رسد با توجه به مفاهیم و تعاریفی که از «عدالت ترمیمی» متذکر شدیم می‌توان دلایل و اصول توجه به عدالت ترمیمی را چنین برشمرد:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱. به جای تمرکز بر مقرراتی که نقض شده‌اند تأکید و تمرکز بر صدمه و زیان ناشی از جرم باشد.

۲. عدالت ترمیمی نشان‌دادن توجه و تعهد مساوی به بزه‌دیده و بزهکار و مشارکت‌دادن هر کدام از آنها است.

۳. جبران صدمه و زیان بزه‌دیدگان و پاسخ به نیازهای ایشان و تقویت آنها لازم است.

۴. از بزهکاران حمایت کنیم، و ایشان تشویق شوند تا تعهداتشان را درک کنند و بپذیرند و اِعمال کنند.

۵. ایجاد فرصت مقتضی و لازم برای گفت‌وگوی مناسب مستقیم و غیرمستقیم بین بزهکار و بزه‌دیده فراهم شود.

۶. جست‌وجوی راه‌های مقتضی و مفید برای مشارکت‌دادن مثمر ثمر جامعه محلی انجام شود.

۷. پرهیز از اجبار و انزوا و به جای آن تشویق و مساعدت و معاضدت بزهکاران و بازپذیری بزه‌دیدگان به شکل مطلوب انجام شود.

۸. احترام به مجریان عدالت و همه بزهکاران و بزه‌دیدگان، جزء برنامه و فرآیند عدالت باشد.

۵. مقایسه عدالت کیفری با عدالت ترمیمی

به نظر می‌رسد با عنایت به دو مفهوم «عدالت ترمیمی» و «عدالت کیفری» و تعاریفی که از این دو مفهوم گذشت و اصول و شرایط هشت‌گانه مذکور می‌توانیم در تبیین و مقایسه این دو مفهوم، با اولویت برتری عدالت ترمیمی بر عدالت کیفری، به نکات ذیل اشاره کنیم:

۱. در عدالت ترمیمی، بزه‌دیده واقعی با بزهکار روبه‌رو می‌شود و دولت صرفاً نقش حمایتی و نظارتی دارد. اما در عدالت کیفری دولت به جای بزه‌دیده اصلی ایفای نقش می‌کند.

۲. عدالت ترمیمی مبتنی بر نوعی اجماع و مشارکت طرف‌های درگیر است، ولی عدالت کیفری نقطه مقابل بزهکار و به جای بزه‌دیده قرار می‌گیرد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳. در عدالت ترمیمی، تصمیم‌گیری درباره میزان خسارت‌ها و چگونگی جبران آنها بر عهده طرف‌های درگیر، یعنی بزه‌دیده و بزهکار است، اما در عدالت کیفری برای مرتکب جرم پاسخ‌هایی از قبل معلوم شده است که مجرم طبیعتاً با آن پاسخ‌ها روبه‌رو می‌شود.

۴. در عدالت ترمیمی، جرم در درجه اول واردکردن خسارت به بزه‌دیده است و جامعه، بزه‌دیده ثانوی است. بنابراین، هدف اصلی عدالت، جبران و پاسخ‌گویی به این نیازها است که در درجه اول از طرف بزهکار صورت می‌گیرد (پاسخ‌گویی بزهکار در برابر بزه‌دیده). اما در عدالت کیفری جرم، تعدی و تجاوز به قانون، هنجارشکنی و نادیده‌گرفتن ارزش‌های اساسی جامعه است که فقط با کیفر می‌توان آنها را جبران کرد.

۵. عدالت ترمیمی مبتنی بر مسئولیت اجتماعی و اخلاقی است، ولی عدالت کیفری مبتنی بر ارتکاب جرم و موجب مجرمیت است.

۶. عدالت ترمیمی موجد و سبب تعهد است، ولی عدالت کیفری مبتنی بر مسئولیت کیفری است.

۷. در عدالت ترمیمی هدف اصلی تمرکز بر نیازهای بزه‌دیدگان و مسئولیت‌های بزهکاران به منظور جبران زیان واردشده است، اما در عدالت کیفری هدف اصلی این است که بزهکار آنچه را استحقاق دارد دریافت کند.

۸. هدف عدالت ترمیمی اصلاح امور است، اما هدف عدالت کیفری، تقویت و بازسازی قوانینی است که نقض شده‌اند.

۶. دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی

نظام حل و فصل دعاوی از طریق داوری و میانجی‌گری، در شریعت اسلام پذیرفته‌شده است. لذا راجع به مفهوم و ماهیت «داوری» و «میانجی‌گری»، فقها در آثار فقهی‌شان و در بخش کتاب القضا، قاضی و داور را به دو نوع تقسیم می‌کنند: یکی قاضی منصوب است که از طرف امام منصوب می‌شود و دیگری قاضیِ تحکیم (داور) است که بدون داشتن اذن از سوی امام، اصحاب دعوی بر داوری وی توافق می‌کنند. قول مشهور فقها، کلیه شرایطی را که برای قاضی منصوب لازم می‌داند، از قبیل بلوغ،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عقل، اسلام، عدالت، علم (اجتهاد) و ذکوریت، درباره قاضی تحکیم نیز لازم‌الرعایه می‌داند و تنها تفاوت این دو را، لازم‌نبودن اذن و نصب از سوی امام در خصوص قاضی تحکیم دانسته است. در میان فقهای امامی، شهید ثانی وقوع تحکیم را در زمان صحابه نشانه مشروعیت آن دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۳۲/۱۳). حلی در *شرائع الاسلام* درباره قاضیِ تحکیم می‌گوید: «ولو استقضی اهل البلد قاضیا، لم تثبت ولایته نعم لو تراضی خصمان بواحد من الرعیة و ترفعا الیه فحکم بینهما الزمهما الحکم و لا یشترط رضاهما بعد الحکم»؛ «اگر اهالی شهری قاضی تعیین کرده باشند ولی ولایت او ثابت نشود در صورت تراضی طرفین، می‌توانند دعوا را به داور و میانجی‌گر بسپارند» (حلی، ۱۳۵۸: ۳۵). در مقابل دیدگاه‌های قبل، برخی استقلال قاضی تحکیم را نپذیرفته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۴۰/۱۲).

اما از دیدگاه فقهای دیگر مذاهب فقهی اسلامی، غیر از مذهب امامیه، باید اذعان داشت که رواج داوری و میانجی‌گری بیشتر از طرف برخی از فقهای اهل سنت مطرح شده که همگی‌شان درباره جواز رجوع به قاضی تحکیم (داوری) اتفاق نظر دارند و فقط معدودی از شافعیان، از جمله غزالی، رجوع به قاضیِ تحکیم را جایز نشمرده‌اند (غزالی، ۱۳۵۸: ۲۹۳/۷). از طرفی، شماری از فقهای اهل سنّت، به آیه ۳۵ سوره نساء استناد کرده‌اند که ناظر است به رجوع به حکمیت هنگام وجود اختلاف میان زوجین، بدون آنکه سخن از جدایی در میان باشد. بنا بر این آیه، هنگام بروز اختلاف (شِقاق) تمام افراد جامعه، به‌ویژه بستگان زوجین، مسئولیت دارند آنها را به حکمیت ارجاع دهند. رأی حَکَم نیز با توجه به دامنه اختیارات او و توافق طرفین اجراشدنی است (طبرسی، ۱۳۷۹: ۴۵۲/۱). برخی از فقهای حنبلی، میان قلمرو قضاوت منصوب و قضاوت تحکیم تفاوتی قائل نشده‌اند. نظر برخی از فقهای امامی و شافعی هم همین است. البته به تصریح آنها حق‌اللّه از قلمرو داوری بیرون است و قاضی تحکیم فقط در محدوده حق‌الناس صلاحیت صدور حکم دارد (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۶۵/۸). نظر مشهور در میان حنفیان آن است که تحکیم فقط در حق‌الناس، جز در موارد استثنایی، اعمال‌شدنی است و در لعان، حدود، قصاص و دیه‌ای که بر عهده عاقله است پذیرفته نیست. به تعبیر برخی فقهای حنفی، تحکیم (داوری) وقتی جایز است که از نظر شرعی، امکان مصالحه میان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

طرفین وجود داشته باشد (صدر الشهید، ۱۹۷۹: ۴۶۳/۴-۴۶۴). برخی از شافعیان و حنبلیان، قلمرو تحکیم را محدود به اموال دانسته و در موضوعات مخاطره‌آمیز همچون نکاح، قصاص، لِعان و حد قذف آن را جایز ندانسته‌اند (ابن‌قدامه، بی‌تا: ۴۸۴/۱۱). مالکیان داوری را در هر موضوعی جایز دانسته‌اند، جز در سیزده موضوع که بیشتر آنها از حق‌اللّه است: رشد و سفاهت، وصیت، حبس و وقف، امور راجع به شخص غایب، نسب، ولایت، حد، قصاص، مال یتیم، طلاق، عتق و لِعان (ابن‌فرحون، ۱۴۰۶: ۴۳/۱).

۷. ترغیب بزه‌دیده و بزهکار به اصلاح ذات‌البین

اندیشمندان اسلامی در تعریف «اصلاح ذات‌البین» گفته‌اند در معارف اسلامی به معنای زدودن نزاع و اختلاف بین مردم، ایجاد صلح و سازش، میانجی‌گری، آشتی‌دادن آنها، و دوستی بین آنها است که در آیات و روایات متعددی بر آن تأکید شده است. مفهوم «اصطلاح ذات‌البین» صلح و سازش است و از یاد بردن رنجش و سازگاری و آشتی پس از قهر. «ذات» به مفهوم بنیه و اساس است و «بین» حالت پیوند میان افراد. «اصلاح ذات البین» استوارسازی پیوندهای فردی و اجتماعی است (طبرسی، ۱۳۷۹: ج۳، جزء ۹/۱۰۱). علی (ع) در واپسین لحظه‌های زندگی پربرکتش فرزندان و رهروان راهش را به اصلاح ذات‌البین سفارش کرد و ارزش آن را برتر از نماز و روزه سالیان شمرد (*نهج‌البلاغه*: نامه ۴۷).

البته باید افزود که قلمرو به‌کارگیری فقهی «اصلاح ذات‌البین» شامل جرائم دارای جنبه غالباً خصوصی می‌شود. اصلاح ذات‌البین در آموزه‌های فقهی و جزای اسلامی به طور فزاینده‌ای میان فقهای امامیه محل بحث و تبادل نظر واقع شده و بر اهمیت به‌کارگیری اجتماعی‌اش تأکید بسیار کرده‌اند. از این‌رو فقهای امامیه، راه‌حل غیرقضایی به شیوه صلح و سازش، یعنی ایجاد صلح و سازش بین طرفین اختلافات کیفری دارای جنبه غالباً خصوصی و قابل گذشت و با مداخله و وساطت گروه‌های اجتماعی، را پیش از مداخله قضایی حاکمان شرعی دارای اولویت دانسته‌اند.

همچنین، به نظر می‌رسد مهم‌ترین وجه تمایز نظریه عدالت کیفری مرسوم و نظریه عدالت ترمیمی در تحقق و اجرای عدالت این است که ساختارهای اجرایی نظریه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عدالت ترمیمی، برخلاف نوع عدالت کیفری، مبتنی بر سیاست مشارکتی تمامی افراد متأثر از وقوع جرم، از قبیل بزه‌دیده و بزهکار و جامعه محلی، در مقابله با اختلافات و پیامدهای ناشی از ارتکاب جرم است. در این فرآیند تمامی متأثران از وقوع پدیده مجرمانه در محوریت رسیدگی‌های قضایی قرار می‌گیرند. طبق نظریه عدالت کیفری مرسوم، دولت، متضرر اصلی از اقدام غیرقانونی بزهکار علیه ساحت حاکمیت عمومی است. لذا به تصدی انحصاری نهادهای قضایی دولت در تحقیق و اجرای عدالت اقدام می‌کند. تحقق و اجرای عدالت طبق گفتمان عدالت ترمیمی فقط از طریق نهادهای مشارکتی امکان‌پذیر است. ساختارهای اجرایی نظریه عدالت ترمیمی نزد طرفداران این گفتمان فقط در قالب شیوه‌هایی نظیر میانجی‌گری و نشست‌های گروهی خانوادگی در مقابل ساختار اجرایی نظریه عدالت و محافل صلح و سازش امکان‌پذیر است.

۸. روش میانجی‌گری و عدالت ترمیمی

روش میانجی‌گری، نمونه‌ای از انحراف فرآیند کیفری برای حل و فصل اختلاف‌های ناشی از جرم است که ممکن است در هر مرحله‌ای، اعم از لحظه‌ای که جرم اتفاق می‌افتد تا قبل از اینکه متهم در محضر دادگاه حاضر شود اعمال گردد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۲۳۱). میانجی‌گری روشی است که در آن شخص ثالث به عنوان شخص میانجی از طریق برگزاری جلسات و گفت‌وگو بین طرفین و بحث درباره موضوعات محل اختلاف راه حل و فصل اختلافات را تسهیل می‌کند. اضافه بر این، میانجی‌گر بدون اینکه همانند قاضی یا داور تصمیمی اتخاذ و آن را به طرفین تحمیل کند، آنها را به حل اختلافات تشویق کرده، با روشن‌کردن زوایای تاریک موضوع، تبیین منافع واقعی طرفین، شناسایی و محدودکردن موضوعات اختلافی، کشف گزینه‌های محتمل برای حصول توافق، به طرفین در برقراری ارتباط مؤثر با یکدیگر کمک می‌کند (هادی و حاجی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۲). راه و روش میانجی‌گری برای رفع تعارضات و حل مشکلات با استفاده از الگوی میانجی‌گری و تأثیر آن بر ساختار عدالت ترمیمی و کیفری صورت می‌گیرد. بهترین روش شامل چهار مرحله است: آماده‌سازی (اقدامات پیش از میانجی‌گری)، ارجاع پرونده، گفت‌وگو و پیگیری به واسطه میانجی‌گری، و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تثبیت نتایج حاصل از روش میانجی‌گری. از طرفی، این‌گونه میانجی‌گری‌ها یا به ابتکار و خلاقیت خودِ شخص میانجی و صرفاً به صورت دخالت و تلاش مصلحانه شخص برای نزدیک‌کردن مواضع طرفین دعوی به یکدیگر و ایجاد صلح و سازش بین آنها به عمل می‌آید یا با مشخص‌کردن شخص ثالثی از طرف دادگاه، یا با توافق و تراضی طرفین به دخالت یک یا چند نفر معتمد به منظور حل و فصل اختلافات و ایجاد سازش و صلح محقق می‌شود. به صورت اول «اصلاح ذات البین» گفته می‌شود که در آموزه‌های اخلاقی و حقوقی اسلام به آن توجه، و تأیید شده است. صورت دوم را می‌توان در قالب «داوری و حکمیت» بررسی کرد که در حقوق اسلامی مطرح است. گرچه زیربنای لازم و کافی برای پذیرش عدالت ترمیمی و کیفری، هم در فقه و حقوق اسلامی و هم در قوانین و حقوق موضوعه ایران، وجود دارد، اما نکته مهم و اساسی آماده‌کردن اذهان و افکار عمومی و اشخاص برای پذیرش این تفکر است. از طرفی، عدالت ترمیمی می‌تواند در پیش‌گیری از وقوع جرم و به‌ویژه تکرار آن، مؤثر باشد، و این را نمی‌توان هدف نهایی و اساسی عدالت ترمیمی دانست. زیرا فلسفه پیدایش عدالت ترمیمی حمایت از حقوق بزه‌دیده و حتی بزهکار، البته در مفهوم وسیع و گسترده آن، است.

اما اینکه عدالت ترمیمی چطور و چگونه می‌تواند از وقوع جرم پیش‌گیری کند باید گفت با توجه به روش‌های عدالت ترمیمی و اهداف و حساسیت این نوع عدالت، بیشتر بر پیش‌گیری از تحقق و وقوع تکرار جرم می‌تواند تأثیرگذار باشد. اما در برخی از روش‌های عدالت ترمیمی، مانند روش میانجی‌گری، کنفرانس یا هم‌اندیشی که علاوه بر طرفین دعوی، خانواده‌شان هم حضور دارند، پیش‌گیری از جرم در واقع در همان مفهوم اصلی «پیش‌گیری»، یعنی پیش‌گیری از وقوع جرم اولیه است، چراکه در این روش اعضای خانواده می‌توانند با پندآموزی، عبرت‌آموزی و همچنین فهم و درک نتایج حاصل از جرم، از ارتکاب آن بپرهیزند. مانند کمپ‌های ترک اعتیاد که بیشتر افراد معتاد یا افرادی که اعتیاد را ترک کرده‌اند در جلساتی از تجربیات تلخ دوره اعتیادشان سخن می‌گویند و افراد عادی هم با شرکت در این جلسات و پندآموزی از تجربیات این گونه افراد می‌توانند به نحوی از اعتیاد خود پیش‌گیری کنند. از طرفی، وقتی به ماهیت و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مکان عدالت ترمیمی توجه می‌کنیم می‌بینیم که گاه مسائل مربوط به عدالت ترمیمی زمینه‌ساز تعارض با حقوق انسان‌ها است. یعنی اینکه بزهکاران باید در فرآیند میانجی‌گری و عدالت ترمیمی به صورت اختیاری شرکت کنند و انجام و اجرای تعهدات باید به خواست شخص بزهکار باشد و مکان اجرای عدالت ترمیمی باید محیطی با معماری جذاب و در فضایی آرام و دلنشین باشد که مشارکت‌کنندگان، به‌ویژه اشخاص بزهکار، خود را در فضا و محیط دادگاه و در حالت و وضعیت محاکمه و مجادله تصور نکنند، بلکه فضا و محیطی لطیف و توأم با قصد و اراده باشد و گفتمانی هدفمند در راستای صلح و سازش و اصلاح را تجربه و درک کنند.

نتیجه

در نظام حقوقی و آموزشی ما، که ملهم از فقه اسلام است، زمینه گسترده‌ای برای کاربرد میانجی‌گری به عنوان طریقی غیرقضایی در حل اختلافات و تعارضات وجود دارد. آیات و روایات هم به موضوع داوری، میانجی‌گری، مصالحه و سازش سفارش کرده و همگی بر دوستی، آشتی، مصالحه و سازش، داوری، پادرمیانی و میانجی‌گری تأکید دارد. این بیانگر توجه شارع مقدس به موضوع مصالحه و سازش و سفارش مؤکد به آن است. به تبع آن، فقها رجوع به قاضیِ تحکیم را جائز می‌دانند. از دیدگاه حقوقی، ایده اصلی برنامه صلح و سازش بیرون از دادگاه و مراجع قضایی بر این پایه استوار است که اگر برخورد و تقابلی که از رفتارهای مجرمانه ایجاد می‌شود با میانجی‌گری و پادرمیانی حل و فصل شود، مصالحه موفقیت‌آمیز و پرهیز از رسیدگی قضایی بیرون از محیط دادگاه را موجب می‌شود. لذا نهاد صلح و سازش را از بارزترین جلوه‌های تدابیر قضازدایی دانسته‌اند. «میانجی‌گری» از مفاهیم ابداعی عدالت ترمیمی و از آخرین دستاوردهای دکترین است که اکثر نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته‌اند. هدف اصلی نظام عدالت کیفری، جبران زیان بزه‌دیده و احیای حقوق وی از طریق مشارکت فعال بزه‌دیده و بزهکار در فرآیند مذاکره و صلح و سازش است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

داوری و میانجی‌گری مزایای فراوانی دارد، از جمله:

- در میانجی‌گری طرفین دعوا، مستقیماً، آزادانه و به‌راحتی می‌توانند خواسته‌ها، توقعات و نیازهایشان را با یکدیگر در میان بگذارند و به کمک میانجی، راه‌حل معقولانه‌ای برای حل و فصل اختلافاتشان پیدا کنند.
- عدالت سنتی جرم‌مدار و مجرم‌محور است و توجه به بزه‌دیده جنبه فردی دارد، اما در میانجی‌گری به مجرم و بزه‌دیده توجه می‌شود و جبران خسارت بزه‌دیده و اصلاح مجرم توأمان لحاظ می‌شود.
- تعلل در رسیدگی، تأخیر در اجرای احکام، ناکارآمدی کیفرها و تناسب‌نداشتن‌شان با اوضاع و احوال زمانی و مکانی و کوتاهی در توسعه عدالت، که از پیامدهای عدالت کیفری است، با احاله دعوی به داوری و میانجی‌گری از بین خواهند رفت.
- یکی از راه‌حل‌های کاستن از حجم پرونده‌های کیفری، جلوگیری از اطاله دادرسی، نارضایتی و تقلیل هزینه‌های زندان‌ها، کارشناسان و وکلا، ارجاع امر به میانجی‌گری است.
- عدالت ترمیمی به عنوان نظریه جدید حقوق کیفری در پی جبران خسارات واردشده بر بزه‌دیده، ترمیم رابطه بین بزهکار و بزه‌دیده، اصلاح و بازپذیری بزهکار و تأمین مصالح جامعه محلی متأثر از جرم است.
- اصلاح ذات‌البین، رفع ریشه‌ای اختلافات و تأکید بر سازش و کسب رضایت، تکیه بر مسئولیت اجتماعی و اخلاقی مجرم و انجام‌دادن تعهدات در راستای جبران خسارت بدون استفاده از قوه قهریه از مزایای داوری و میانجی‌گری است.
- داوری در رفع اختلافات خانوادگی اهمیت بیشتری دارد. ماهیت فرآیند مذکور از یک سو و اقتضای ذاتی محیط خانواده از دیگر سو، ضرورت حاکمیت عدالت ترمیمی بر روابط خانوادگی به جای عدالت انتقامی و سزادهی را انکارناپذیر می‌کند. اسلام نیز احکامش را بر پایه ترمیم و اصلاح روابط حاکم بر خانواده قرار داده، و توصیه به تشکیل محکمه خانوادگی، صلح، احسان، عفو و ... مبین انطباق آموزه‌های مذکور با شاخص‌های فرآیند عدالت ترمیمی است. نتیجه این نگرش می‌تواند مسائل

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خانواده را از حوزه حقوق کیفری خارج کرده، قانون‌گذار را متقاعد کند که در برخورد با ناهنجاری‌ها در حوزه خانواده راهکارهای مدنی و مبتنی بر صلح، ترمیم و گذشت را جایگزین کیفر و مجازات و تعزیر کند. در نهایت، باید فرصت مقتضی را به عدالت ترمیمی داد و منتظر ماند که این نهال نوپا برخاسته از ارزش‌های انسانی، اجتماعی و عاطفی، که ریشه محکمی در تعالیم دینی دارد، رشد کند و جایگاه واقعی‌اش را بیابد تا حقوق کیفری را در رسیدن به اهداف خود یاری دهد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

قرآن کریم (بی‌تا). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا: بی‌نا.

نهج‌البلاغه (١٤١٤). گردآوری: شریف الرضی، قم: دار الهجرة.

ابن قدامه، عبد الله (بی‌تا). *المغنی*، بیروت: دار الکتب العربی، الطبعة الاولی، ج ۲.

ابن فرحون، علی (۱۹۸۵/۱۴۰۶). *فهرس الخزانة العلمیة الصبیحیة*، کویت، ش ۱۹۴، ج ۱.

ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤). *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الثالثة، ج ۱۲.

اعظمی، محسن (۱۳۹۷). «فرآیند میانجی‌گری در امور کیفری»، در: *آراء*، دوره ۲، ش ۸، ص ۵۱–۹۰.

حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی اسلام و ایران*، تهران: دانشگاه تهران و سمت، چاپ اول.

حسینی، سید محمد (۱۳۹۹). «تفکر عدالت ترمیمی و تأثیر آن در پیش‌گیری از وقوع جرم»، در: *قانون‌یار*، دوره چهارم، ش ١٤، ص ٦٣١–٦٤٤.

حلی، جعفر بن حسن (۱۳۵۸). *شرائع الاسلام*، ترجمه: ایزدی، به کوشش: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.

دل وکیو، جورجو (۱۳۸۰). *فلسفه حقوق*، ترجمه: جواد واحدی، تهران: میزان.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.

شیروی، عبدالحمید (۱۳۹۱). *داوری تجاری بین‌المللی*، تهران: سمت.

صدر الشهید، عمر بن عبد العزیز (۱۹۷۹). *کتاب شرح ادب القاضی للخصّاف*، بغداد: محیی هلال سرحان، ج ٤.

طبرسی (۱۳۷۹). *مجمع البیان العلوم القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۷). *الخلاف*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ٤ و ٦.

طوسی، محمد بن حسن (١٤١٧). *الخلاف*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۸.

عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (١٤١٣). *مسالک الافهام*، قم: مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول.

عباسی، مصطفی (۱۳۸۲). «عدالت ترمیمی: دیدگاه نوین عدالت کیفری»، در: *پژوهش حقوق عمومی*، ش ۹، ص ۸۵–۱۲۸.

غزالی، احمد (۱۳۵۸). *مجموعه آثار فارسی احمد غزالی*، تهران: احمد مجاهد.

گرشاسبی، اصغر (۱۳۸۸). *هنر و فن میانجی‌گری*، تهران: مهاجر.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). *بحار الانوار*، قم: دار الاسلامیة، ج۱۰٤.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳). *میزان الحکمة*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دار الحدیث.

معین، محمد (۱۳۵۳). *فرهنگ فارسی معین*، تهران: امیرکبیر، ج۲.

موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱٤۲۳). *فقه القضاء*، قم: مؤسسة النشر لجامعة المفید، ج۱.

نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۲). *میانجی‌گری کیفری: جلوه‌ای از عدالت ترمیمی*، تهران: دانشور.

نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۰). *دانش‌نامه جرم‌شناسی*، تهران: گنج دانش.

نسائی، احمد بن علی؛ شمس‌الدین، احمد (بی‌تا). *السنن الکبری*، قم: دار الکتب العلمیة.

هادی، سولماز؛ حاجی‌پور، مرتضی (۱۳۹۵). «بررسی شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف از منظر حقوق ایران و فقه امامیه»، در: *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، س۹، ش۲، ص۸۷–۱۱۰.

Archive of SID.ir